

جمهوری ارس در نخجوان

جعفر جمشیدی راد^۱

نخجوان که در جنوب غربی قفقاز کوچک قرار دارد همواره بخشی از ایران زمین بوده است، نخجوان کنونی پس از اشغال روس‌ها، ترک‌ها و سایر اشغال‌گران رویدادهای فراوانی را سپری کرده که تأسیس جمهوری ارس یکی از این رویدادها است. «نخجوان از شمال و از شمالی غربی و شمال شرقی با جمهوری ارمنستان به طول ۱۸۹ کیلومتر و از جنوب و جنوب غربی به طول ۱۶۳ کیلومتر با ایران و با یک باریکه ۹ کیلومتری از جنوب غربی با ترکیه همسایه است. مساحت عمومی نخجوان ۵/۵۰۰ کیلومتر مربع است که ۸۰ درصد از کل مساحت آن را کوه‌ها و بقیه را زمین‌های هموار تشکیل می‌دهد. این منطقه به لحاظ معادن و کشاورزی توانایی‌های چشمگیری دارد و دارای موقعیت راهبردی است. آنچه در این بررسی مورد توجه است، پیش درآمد و طرح بحثی است در روشن‌تر شدن گوشه‌ای از تاریخ پرتلاطم این سرزمین.

انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه اوضاع عمومی قفقاز را مانند سایر نقاط امپراتوری روسیه دگرگون کرد. نظم خاص قوای روسی که زبانزد عام و خاص بود با شروع انقلاب به هم خورد و نافرمانی‌ها در قوای روس به وجود آمد. پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ وضعیت بدتر شد. قوای روسی مستقر در قفقاز میدان جنگ را ترک کرده و با ایجاد بی‌نظمی و اعمال خشونت‌بار در منطقه راه موطن خویش را در پیش گرفتند. «لشگریان روس با زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی به کشتار و ویرانگری می‌پرداختند و به این ترتیب تمامی منطقه قفقاز جنوبی از قوای روسی تخلیه می‌شد.»^۲ این امر با وجود آشوب و خرابی‌های فراوان موجب رهایی اقوام قفقاز گردیده و آنها به راحتی توانستند تنش‌های دیرینه خود را نشان دهند و از سوی دیگر تخلیه قفقاز از نیروهای روسی باعث حضور بیشتر نیروهای ترک در قفقاز گردید. ترک‌ها با استفاده از فرصت بدست آمده مناطق جنوبی قفقاز را در سال‌های آخر جنگ جهانی اول اشغال کردند. «بعد از

۱. آقای جعفر جمشیدی راد عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور می‌باشد.

۲. [نخجوانی ۱۹۵۵]

شکست ترک‌ها در جنگ، آنها به مفاد قرارداد مودروس در ۳۰ اکتبر ۱۹۱۸ تن دادند که به موجب ماده ۱۱ قرارداد که در عرصه یک رزم ناو انگلیسی بین دریا سالار گالتروپ و حسین رثوف بیک وزیر جنگ عثمانی امضا شد، ترک‌ها متعهد گردیدند که از قفقاز و شمال غرب ایران خارج شوند.^۱ ترک‌ها از اجرای کامل این تعهد سرباز زدند و دسته‌های نظامی آنها در جنوب غرب قفقاز - نخجوان - باقی ماندند. این گروه که در آغاز شامل «۱۵ افسر و ۳۰۰ سرباز» بود، با کمک مساواتی‌های نخجوان هسته‌های اولیه بنیان جمهوری ارس را تشکیل دادند.^۲

این حکومت - ارس - در جهت کسب حمایت ترک‌ها و تفکر ترک‌گرایی به فعالیت‌های فرهنگی از جمله تأسیس مدارس و کتابخانه و دریافت کتاب و درسنامه از ترکیه تن داد که در واقع تلاش‌هایی برای تسخیر فرهنگی نخجوان از سوی ترک‌ها بوده است. ترک‌ها با اهداف از پیش تعیین شده در ادامه اشغال قفقاز و گسترش سیاست پان‌ترکیسم و تشکیل اتحادیه اغوزها در ۳ نوامبر ۱۹۱۸ در نخجوان جمهوری ارس را تشکیل دادند^۳ که نتیجه طبیعی طرح‌های قبلی آنها بود و امر تصادفی نبوده بلکه به لحاظ موقعیت راهبردی نخجوان، ترک‌ها توجه خود را به آنجا معطوف و فعالانه تلاش می‌کردند. و از سوی دیگر آرامنه نیز که در آن موقع حدود ۴۰ هزار نفر از اهالی آنجا را تشکیل می‌دادند [نخجوانی ۱۹۹۴] به منظور تشکیل ارمنستان بزرگ در صدد تسخیر نخجوان بوده و به لحاظ داشتن جمعیت و مایملک در نخجوان همواره به دنبال نوعی خودگردانی نیز بودند و این امر تنش‌های قومی را در نخجوان در سال‌های ۲۰-۱۹۱۸ شدت می‌بخشید، بطوری که نخجوان در تابستان ۱۹۱۸ از دو طرف زیر فشار بود: از یک طرف نیروهای ترک به سرکردگی کاظم قره‌بکر که در مسیر راه آهن شرور - دره لیز و مسیر ایروان - جلفا بودند و از طرف دیگر نیروهای ارمنی در بخش‌های جلفا و اردوباد اوضاع را پیچیده‌تر می‌کرد. کاظم قره‌بکر در تمام نواحی تحت اشغال خود پرچم ترک‌ها را بر فراز ساختمان‌ها برافراشته و با از بین بردن کانون‌های ملی و مردمی، نخجوان را به

۱. [آفانسیان ۱۳۷۰]

۲. [مدداف ۱۹۵۸]

۳. در مورد حکومت محلی نخجوان و نحوه تشکیل آن داده‌های دیگری نیز مطرح شده‌اند. از جمله آن که از فوریه ۱۹۱۷ تا فوریه ۱۹۱۸ نوعی حکومت محلی در نخجوان به وجود آمد که رهبری آن را ابراهیم آفاشاه تختی به عهده داشت اما در عین حال نیروهای مختلف سیاسی و نظامی نیز در نخجوان فعالیت داشتند. با این حال چنین به نظر می‌آید که مراکز قدرت دیگری نیز در کار بوده است. [عین‌الله مددتلی ۱۹۹۵]. «حکومت محلی نخجوان در بهار ۱۹۱۸ سفرایی جهت اخذ کمک و اعانه به سوی دولت ایران و ترکیه اعزام می‌کند که اولین کمک‌های ترکیه به نخجوان اعزام یک لشکر نظامی به فرماندهی خلیل بیک بود» [روزنامه دروازه‌های شرق ۱۹۹۳].

یکی از ایالات ترکیه تبدیل کرده بود. وی دستور داده بود که سربازان تحت امر وی در نخجوان شهرها و روستاها را غارت و چپاول نمایند. ترک‌ها به این امر راضی نشده به قتل و کشتار و مجازات بدنی نخجوانی‌ها پرداختند.^۱

با تشکیل کمیته ملی در نخجوان، ژنرال کاظم قره‌بکر همراه با خلیل پاشا و واصل بیک با بیش از ۵۰۰ سرباز ترک در نخجوان حضور یافته و به عنوان هدایت‌کننده جمهوری و مشاورین نظامی جمهوری ارس فعالیت خود را آغاز نمودند. وظیفه اصلی خلیل بیک در جمهوری ارس ایجاد تمایل به ترکیه بود «ابتدا مرکز حکومت جمهوری ارس شهر ایگدیر ترکیه تعیین گردید، سپس تغییر یافته و از ۳۰ نوامبر ۱۹۱۸ تا ۱۷ ژانویه ۱۹۱۹ این حکومت از طریق حکومت اسلامی قارص در ترکیه اداره می‌شود.»^۲ آنچه قابل توجه است حضور و دخالت ترک‌ها در این حکومت محلی است و این حکومت آشکارا با حمایت‌های سیاسی و نظامی ترک‌ها شکل گرفت و به ظاهر برای جلوگیری از تشکیل ارمنستان بزرگ در منطقه ایجاد شد که می‌توان گفت بخشی از توجیه اشغالگری ترک‌ها بود و آنان با اشغال نخجوان درصدد تصرف منطقه زنگزور و تحقق آرمان ترک‌گرایی و الحاق به بدنه حکومت مساواتی‌ها در باکو بوده‌اند که این سیاست را ترک‌ها تاکنون دنبال کرده‌اند.

حکومت ارس با حمایت و دخالت مستقیم لشکر ۹ ترکیه تأسیس گردید که حوزه عملکرد آن از غرب به قارص و از شرق به اردوباد کشیده شده بود و اراضی وسیعی از ناحیه ارس را می‌پوشاند. این جمهوری که از ۱۲ آوریل ۱۹۱۸ شروع به فعالیت رسمی نمود و به ظاهر می‌خواست به صورت فدراتیو نخجوان را اداره کند، دارای نهادهای حقوقی و سیاسی خاص خودش بود. نهادی به نام مجلس ملی متشکل از تمام نمایندگان شهرها و بخش‌ها وجود داشت و دارای یک مجمع وزیران دیوان خانه (دادگستری)، اداره پلیس و امنیت، اداره خزانه‌داری نیز بود.^۳ این ترکیب اداری تاکنون نیز به نوعی در ساختار حکومتی نخجوان حفظ شده است. جمهور ارس دارای ارتشی متشکل از نیروهای ترک و ملیون محلی بود که ضابطین کمیته ملی نخجوان بودند. «البته سیاست داخلی و خارجی جمهوری ارس از سوی ترک‌ها تعیین می‌شد.»^۴ حکومت ارس در سوم نوامبر ۱۹۱۸ به مرکزیت ایگدیر و به ریاست امیربیک اکبرزاده تعیین و شروع به کار کرد، مجمع وزیران وی به شرح زیر معرفی گردید:

۱. وزیر جنگ: ابراهیم جهانگیرزاده

۲. [عین‌الله مددتلی ۱۹۹۵]

۴. [مدروف همان]

۱. [قاراش مدداف ۱۹۵۸]

۳. [مدروف ۱۹۵۸]

۲. وزیر اقتصاد و دارایی: قنبرعلی بننیاری

۳. وزیر کشاورزی و اراضی: باقر رضازاده

۴. وزیر امور خارجه: حسن صفازاده

۵. وزیر دادگستری: محمد بیکزاده

۶. فرمانده نیروهای نظامی: امبریک نریمان بیک

۷. وزیر فرهنگ و امور دینی: میرزا حسین واعظی ایروانی

۸. مفتی اهل سنت: علی اشرف بیک و خواجه اکیم افندی تعیین گردیدند.^۱

قلمرو حکومت ارس از ایگدیر تا مهرب کشیده شده بود که شامل ایالات نخجوان، شرور، دره‌لیز، ودی باسار، قمرلی جلفا، اردوباد و مهری^۲ بود. این جمهوری دارای نزدیک به یک میلیون نفر جمعیت بود که به صورت فدراتیو می‌خواست اداره شود، در اعلامیه‌ای که در آغاز فعالیت جمهوری ارس صادر گردید آمده است: جمهوری ارس برای دفاع از حقوق یکایک شهروندان به وجود آمده و قصد تجاوز به هیچ کشوری را ندارد.^۳ ترک‌ها «افراد منطقه را مسلح کردند و جوانان نخجوان به وسیله افسران ترک سازمان داده می‌شد و جنگ پارتیزانی را ستاد ارتش ترکیه رهبری می‌کرد»^۴

جمهوری ارس تا ۱۲ فوریه ۱۹۱۹ در جنوب غرب قفقاز ادامه داشت تا این که در ژانویه ۱۹۱۹ نیروهای انگلیسی نخجوان را اشغال کردند، از آنجا که انگلیسی‌ها جمهوری ارس را دست نشانده ترک‌ها می‌دانستند و با آن مناسبات خوبی نداشتند، به همین سبب بهتر می‌دیدند که نخجوان در ترکیب جمهوری ارمنستان قرار گیرد و در همین راستا نیز مذاکراتی بین نیروهای انگلیس با مقامات جمهوری ارمنستان صورت گرفت. انگلیسی‌ها می‌خواستند نخجوان که اکثریت جمعیت آن مسلمان بود، به ارمنستان الحاق شده و منطقه ارمنی‌نشین زنگزور نیز به جمهوری آذربایجان ملحق شود، به همین سبب در اوایل ژانویه ۱۹۱۹ افسر انگلیسی به نام سرگرد گیون به نخجوان آمد تا اوضاع سیاسی، اقتصادی و نظامی و نیروهای مسلح نخجوان را ارزیابی کند، وی هم چنین درصد شناخت میزان ارتباط سران جمهوری ارس با ترک‌ها بود.^۵

«بعد از گیون در فوریه ۱۹۱۹ کاپیتان لافتون به نمایندگی از انگلیسی‌ها وارد نخجوان

۱. [علی‌یف]

۲. مهری در کناره رود ارس در جمهوری ارمنستان به اشتباه به زبان روسی مغری گفته می‌شود.

۳. [مددتلی همان]

۴. [پاسدر ماجیان ۱۳۶۶]

۵. [مدداف ۱۹۵۸]

شد و وظیفه این نماینده ایجاد مانع در سازش بین داشناک‌ها و جمهوری ارس بوده است، کاپیتان لافتون در آغاز کار خود چنین وانمود کرد که در جنوب ایالت ایروان تا جلفا این اراضی تحت اداره مسلمانان خواهد ماند ولی در مارس ۱۹۱۹ به کمیته ملی نخجوان و گروه داشناک‌ها نامه زیر را ارسال کرد.^۱

«بخش‌های ناحیه ارس به طور موقتی برای ایجاد نظم و قانون در اختیار بریتانیا قرار خواهد گرفت.»

به دنبال این نامه، قشون بریتانیا در منطقه دوولی، نخجوان، جلفا و شاه تختی مستقر گردید. در همان نامه ذکر شده بود که بریتانیا مشکلات ارضی داشناک‌ها و آذری‌ها را حل و فصل خواهد کرد، ولی این بخش‌ها به قیمومت انگلیس‌ها درآمد.^۲ جنگ و درگیری بین نیروهای مسلمان و ارمنی به آن حد رسید که در تابستان ۱۹۱۹ نیروهای داشناک با همکاری افسران و نظامیان انگلیس نخجوان را گرفتند و در نتیجه این کشمکش‌ها، جمهوری ارس سقوط کرد.^۳ پس از آن، در نخجوان تشکیلات جدیدی در شکل فرمانداری نظامی به وجود آمد، که ابتدا در رأس آن ژنرال شول کونکو قرار داشت و سپس یک داشناک به نام وارشامیان به ریاست حکومت نخجوان منصوب شد.^۴ مشابه طرح انگلیسی‌ها در نخجوان، آمریکاییان نیز طرحی دیگر در خصوص نخجوان داشتند که نماینده آنها در قفقاز به نام ژنرال هاسکل طی نامه‌ای که به رؤسای جمهوری آذربایجان و ارمنستان نوشته بود و در روزنامه آذربایجان ارگان مساواتی‌های باکو در شهریور ۱۹۱۹ منتشر شد آن را بدین شرح اعلام داشته است:

۱. منطقه نخجوان و شرور منطقه بی طرف اعلام وزیر نظر یک فرمانده نظامی آمریکایی اداره شود و فرمانداران محلی را نیز فرمانداری نظامی تعیین نماید.

۲. آذربایجان و ارمنستان نیروهای نظامی خود را از نخجوان خارج نمایند.

۳. روستای مسلمان‌نشین و دی بزرگ محل ولایت یا استانداری منطقه تعیین شود.

در این وضعیت که نیروهای ترک امکان دفاع و ماندگاری‌شان را در نخجوان از دست

داده بودند، انگلیسی‌ها جای آنان را در نخجوان گرفتند و به این ترتیب، به دلیل عدم توانایی ترک‌ها در مقابله با انگلیسی‌ها سرانجام جمهوری ارس نیز به کلی فروپاشید و نخجوان به دست ارامنه افتاد.

۱. [مدداف همان]

۲. [همان]

۳. جمهوری ارس در مجموع نزدیک به یک سال حیات داشت.

۴. [همان]

«ترک‌ها هنگام خروج از نخجوان ضمن خارج کردن منابع و مواد غذایی اعم از گندم و غیره از نخجوان مقدار قابل توجهی طلا، پول و جواهرات را نیز با خود بردند.»^۱

از این به بعد به نظر قارداش مدداف اعضای جمهوری ارس مانند سایر رهبران جمهوری‌های قفقاز در خدمت انگلیس‌ها قرار گرفتند و با آنها به انحاء مختلف همکاری کردند و این بار انگلیسی‌ها سیاست‌های حمایتی خود را از آرامنه ادامه دادند تا سرانجام با عقب‌نشینی آنها از قفقاز، نخجوان به اشغال روس‌های بلشویک درآمد.

«در ماه مارس ۱۹۱۹ رییس بخش نظامی جمهوری ارس، بهرام خان نخجوانسکی از مساواتی‌ها، به باکو رفت و در مسیر راه از تفلیس والیزابت پل، از طرف نخجوان برای دادن این منطقه به داشناک‌ها از رضایت مساواتی‌ها صحبت کند. مذاکرات بهرام خان و وعده وعیدهایی که انگلیسی‌ها در حمایت از موضوع نخجوان در کنفرانس صلح پاریس داده بودند، افشاء گردید^۲ کنفرانس صلح پاریس نیز به اوضاع مستملکات روس‌ها توجه خاصی ننموده و متفقین تلویحاً به حضور روس‌ها در مناطق اشغالی قفقاز صحنه نهادند و بار دیگر مردم قفقاز و نخجوان که می‌توانستند در مسیر آزادی قرار گرفته و در تعیین سرنوشت خود تصمیم بگیرند به وسیله اشغالگران سرکوب گردیدند.

منابع

۱. عین‌الله مددتلی مدوف «نخجوان در سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۱، تشکیل جمهوری ارس در نخجوان، نخجوان: دانشگاه دولتی نخجوان ۱۹۹۴.
 ۲. عین‌الله مددتلی «استقرار ترک‌ها «نخجوان» نخجوان: دانشگاه دولتی نخجوان، ۱۹۹۴.
 ۳. عبدالله مدداف، جمهوری خودمختار نخجوان، باکو: نشر آذربایجان ۱۹۷۵.
 ۴. خ.ح. وزیراف، پنجاهمین سال تأسیس جمهوری خودمختار نخجوان، باکو: انتشارات دولتی نخجوان ۱۹۷۳.
 ۵. میرزا باقرعلی یف، روزهای خونین ۲۰-۱۹۱۸ در نخجوان، باکو: ۱۹۹۳.
 ۶. قاراش مدداف، حکومت سوویتسها در نخجوان، باکو ۱۹۵۸.
 ۷. سررز آفانسیان، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: معین ۱۳۷۰.
 ۸. پاسدر ماجیان، تاریخ ارمنستان، ترجمه محمدقاضی، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۶.
 ۹. نخجوان، نخجوان قدیم، تهران: آلیک ۱۹۹۵.
 ۱۰. مجله نگاه نو شماره ۱۰، ۱۳۷۱.
 ۱۱. روزنامه دروازه شرق چاپ باکو، شماره‌های سال ۱۹۹۳.
- منابع شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۱ به زبان آذری با خط سیریل می‌باشد و منبع شماره ۹ به زبان و خط ارمنی است.